

[صدق والد بر اب الاب : 1](#_Toc530536502)

[ظهور عرفی ولد بر اب الاب: 2](#_Toc530536503)

[قصاص مادر در قتل فرزند: 2](#_Toc530536504)

[نظر ابن جنید در مورد قتل فرزند توسط مادر: 2](#_Toc530536505)

[استدلال برای قول ابن جنید: 2](#_Toc530536506)

**موضوع**: شرط سوم /شروط قصاص /قصاص

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در شرط سوم از شروط قصاص بود که گفتیم از شروط قصاص این است که قاتل پدر مقتول نباشد و قدر متیقن این بود که پدر، قاتل پسر خود نباشد. البته بیان شد پسر بودن خصوصیت ندارد، چون دسته ای از روایات عنوان والد بودن را در بر داشتند. ممکن است کسی در صدق اب برای اب الاب تشکیک کند ولی در صدق اب برای دختر تشکیکی نیست.

# صدق والد بر اب الاب :

در مورد رابطه بین پدر و فرزندان هم صدق عنوان اب و هم صدق عنوان والد می کند، اما صدق عنوان اب بر جد پدری مشکوک است ولکن همانطور که مرحوم خوئی[[1]](#footnote-1) فرموده است بر جد عنوان والد قطعا صدق می کند و آن چیزی هم که در اکثر ادله آمده است عنوان والد می باشد. از کلام صاحب مسالک[[2]](#footnote-2) بر می آید که عنوان اب یا حقیقة و یا انصرافا یعنی پدر بلاواسطه. به خاطر همین تشکیک مرحوم خوئی فرموده است اگر جد پدری نوه خودش را بکشد قصاص ثابت هست یا نه ؟ فرموده است وجهان. البته خودشان قول به عدم ثبوت قصاص را بر می گزینند و دلیل این هم صدق عنوان والد و اب بر جد پدری است. اگر کسی هم تشکیکی در عنوان اب کند ولی در عنوان والد شکی نیست. البته این کلام نقض نمی شود به آیه شریفه ﴿مَّا كاَنَ محَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَ لَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّن وَ كاَنَ اللَّهُ بِکُلِّ شیٍء عَلِيمًا﴾[[3]](#footnote-3) نقض هم به این بیان است که اگر جد، پدر محسوب شود باید پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم هم پدر فرزندان حضرت زهرا سلام الله علیها باشد در حالی که آیه این مطلب را نفی می کند. این نقض از جمله اوهامی است که از جانب اهل تسنن مطرح شده است تا جایی که حتی این آیه شریفه را بالای قبر پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم نوشته اند تا انتساب حسنین علیهما السلام و دیگر ائمه علیهم السلام به حضرت را نفی کنند. پاسخ این نقض هم این است که این آیه در زمانی نازل شده است که حسنین علیهم السلام کودک بوده اند و رجل بر کودک صدق نمی کند و حضرت فرزند ذکور دیگری هم نداشته اند که بر آن صدق رجل کند.

# ظهور عرفی ولد بر اب الاب:

بر حسب ظهور عرفی اگر بر پدر پدر، صدق عنوان اب نکند ولی عنوان ولادت صدق می کند همانطور که در آیه شریفه آمده است ﴿يُوصِيكمُ‏ اللَّهُ فىِ أَوْلَدِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَين﴾[[4]](#footnote-4)

# قصاص مادر در قتل فرزند:

مشهور در قتل فرزند توسط مادر، قائل به ثبوت قصاص شده اند. دلیل آن هم اطلاقات قصاص است و مخصص آن هم فقط موردی است که قاتل، پدر باشد.

## نظر ابن جنید در مورد قتل فرزند توسط مادر:

در مسأله، نسبت خلاف به ابن جنید داده شده که ایشان قائل به عدم ثبوت قصاص است.

برای ابن جنید استدلالی ذکر نشده است ولی به نظر می رسد کلام او مبنی بر قیاس نیست و در مقام به قاعده اشتراک احکام هم تمسک نشده است. قاعده اشتراک احکام این است که اگر حکمی در شریعت بیان شد و در موضوع عنوان که در لغت اختصاص به مذکر دارد ذکر شد این حکم اختصاص به رجل ندارد بلکه شامل نساء هم می شود یعنی مثلا اگر در شرع آمده است «اقیموا الصلوة» این که به صیغه مذکر بیان شده است حکم «اقیموا» اختصاص به مردها ندارد و شامل زن ها هم می شود. برخی خیال کرده اند به خاطر قاعده اشتراک، همانطور که قضای نمازهای پدر بر پسر بزرگ واجب است، قضای نمازهای مادر هم واجب است ولیکن غافل شده اند از اینکه این قاعده اشتراک، فقط در مورد زن و مرد هست نه پدر و مادر. مفاد قاعده اشتراک این است که ظهور عرفی رجل، انسان است هرچند معنای لغوی آن مذکر باشد ولی وقتی در جایی که عنوان موضوع حکم خودش قرار بگیرد عنوان برای مکلف است نه اینکه مراد استعمالی اش مکلف باشد، مدلول استعمالی آن مرد است اما مراد تفهیمی اش مکلف است مثلا وقتی زراره از امام علیه السلام شنید که رجل در شک بین 3و4 باید نماز احتیاط بخواند و این حکم را به همسرش گفت نه به ذهن زراره و نه همسرش خطور نکرد که حکم مخصوص مردان است.

## استدلال برای قول ابن جنید:

می توان برای قول به عدم قصاص مادر به روایاتی[[5]](#footnote-5) که می گوید والد را برای قتل ولد قصاص نمی کنند، استدلال کرد. همانطور که بر پدر عنوان والد صدق می کند بر مادر هم عنوان والد صدق می کند. اشکال نکنید که مادر، والده هست نه والد، زیرا بر حسب استقرائی که در استعمالات عربی انجام دادیم صیغه هایی که اصطلاح شده است برای جنس مذکر، برای مواردی که مشترک بین مذکر و مؤنث است مثل قاتل هم به کار می رود بدون اینکه بخواهد مجاز باشد. بله صیغه هایی که اختصاص به مؤنث دارند را اگر برای مجموع به کار ببریم، غلط است. مثلا صیغه ضربوا را اگر در جایی که چند مرد و زن با هم زده باشند به کار ببریم صحیح است بله برای خصوص جایی که ضاربین فقط زن باشد صحیح نیست به کار ببریم ولی صیغه ضربن را نمی توان جایی به کار برد که اشتراک بین زن و مرد باشد و فقط اختصاص به زن ها دارد. یا اینکه اطلاقات قرآنی مانند﴿ وَ مَا كاَنَ لِمُؤْمِنٍ أَن يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَا﴾[[6]](#footnote-6) کسی از این آیه اختصاص به مرد بودن را نمی فهمد. در مواردی هم که در قرآن جنس مذکر و مؤنث کنار هم آورده شده است به خاطر دواعی ای بوده است.

در روایت هم آمده است «لا یقتل والد بولده»[[7]](#footnote-7) که حیثیتی که در روایت آمده است یعنی ولادت اگر نگوئیم ظهور دارد حداقل اشعار به مادر دارد و کأنّ ملاک، والد بودن است.

1. [مبانی تکملة المنهاج، السید أبوالقاسم الخوئی، ج2، ص73.](http://lib.eshia.ir/21001/2/73/المتقدمات) [↑](#footnote-ref-1)
2. [مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، زین الدین بن علی العاملی (الشهید الثانی)، ج15، ص156.](http://lib.eshia.ir/10151/15/156/المتیقن) [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره احزاب، آيه 40. [↑](#footnote-ref-3)
4. سوره نساء، آيه 11. [↑](#footnote-ref-4)
5. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج10، ص238.](http://lib.eshia.ir/10083/10/238/قذفه) [↑](#footnote-ref-5)
6. سوره نساء، آيه 92. [↑](#footnote-ref-6)
7. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج10، ص238.](http://lib.eshia.ir/10083/10/238/قذفه) [↑](#footnote-ref-7)